

نظریه زمینه ای (مقالات دیگران)

نظریه زمینه ای (گراندد تئوری) یک روش پژوهشی اکتشافی (Exploratory) است و به پژوهشگر امکان می‌دهد در مواردی که امکان تدوین فرضیه وجود ندارد بجای استفاده از تئوری‌های از پیش تعریف شده (Grand Theories) خود به تدوین یک تئوری جدید (Theory Development) اقدام کند. این تئوری جدید نه بر مبنای نظر شخصی پژوهشگر که در واقع بر اساس داده‌های گردآوری شده از محیط واقعی و در شرایط واقعی تدوین می‌شود. به بیان دیگر، گراندد تئوری روشی است برای کسب شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه، موضوع یا موضوع‌هایی که قبلاً تحقیق جامعی در مورد آن انجام نشده و دانش ما در آن زمینه محدود است.

گراندد تئوری عبارت است از فرآیند ساخت یک نظریه‌ی مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته‌ی داده و تحلیل استقرایی مجموعه داده گردآوری شده به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند. واژه‌ی گراندد در گراندد تئوری نشانگر آن است که هر تئوری که بر اساس این روش تدوین می‌شود بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی بنیاد نهاده شده است.

سابقه‌ی گراندد تئوری به سال ۱۹۶۷ برمی‌گردد هنگامی که دو پژوهشگر در حوزه مطالعات پرستاری و پیراپزشکی به نام‌های گلنزر و استراس (Glaser and Strauss) در مورد ایده‌ها و نگرش‌های بیماران بستری در بیمارستان تحقیق می‌کردند؛ این دو در سال ۱۹۶۷ کتابی تحت عنوان کشف گراندد تئوری (Discovery of Grounded Theory) منتشر کردند. تأکید مجدد بر این نکته نیز ضروری است که گراندد تئوری یکی از انواع عمده پژوهش‌های کیفی محسوب می‌شود. این پژوهش‌ها در جستجوی فهم نگرش‌ها، رویکردها، احساسات و چگونگی و چرایی تعامل انسان‌ها با یکدیگر و با محیط اطراف خود هستند.

چگونگی اجرای گراندد تئوری

گراندد تئوری روشی نظام‌مند و منسجم است. گردآوری داده‌ها در گراندد تئوری ممکن است به روش‌های متعددی از جمله مصاحبه، بررسی اسناد و مشاهده حاصل شود؛ داده به هر شکل که گردآوری شود ترجیحاً باید کیفی و مفصل باشد، در واقع نظریه بر اساس داده بنا می‌شود. داده‌های گردآوری شده در پژوهشی که مبتنی بر گراندد تئوری است در واقع اجزای سازنده‌ی تئوری در دست تدوین را تشکیل می‌دهند. بنابراین در نخستین قدم لازم است که پژوهشگر با شناسایی مفاهیم مستتر در دل این مجموعه‌ی گردآوری شده، آن را به کوچک‌ترین اجزاء مفهومی تقسیم کند. این فرآیند را که نخستین گام در تحلیل داده در گراندد تئوری محسوب می‌شود اصطلاحاً کدگذاری می‌نامند.

کدگذاری داده

در نخستین مرحله از کدگذاری که کدگذاری باز نامیده می‌شود پژوهشگر با مرور مجموعه داده‌های گردآوری شده تلاش می‌کند که مفاهیم مستتر در آن را باز شناسد. این مرحله باز نامیده می‌شود چرا که پژوهشگر با ذهنی باز به نامگذاری مفاهیم می‌پردازد و محدودیتی برای تعیین کدها قائل نمی‌شود. هدف از کدگذاری باز تجزیه مجموعه داده‌ی گردآوری شده به کوچک‌ترین اجزاء مفهومی ممکن است. وظیفه‌ی بعدی محقق مقایسه و دسته‌بندی مفاهیم استخراج‌شده از دل داده است که در دو مرحله بعدی یعنی کدگذاری محوری و انتخابی انجام می‌شود.

در کدگذاری محوری فرآیند اختصاص کد به مفاهیم موجود در داده از حالت کاملاً باز خارج می‌شود و شکلی گزیده به خود می‌گیرد. در واقع پس از انجام کدگذاری باز پژوهشگر می‌تواند محورهای اصلی در مجموعه داده‌ها را مشخص کند و مرحله بعدی کدگذاری را حول این محورها انجام دهد. در آخرین مرحله از کدگذاری که به کدگذاری انتخابی معروف است پژوهشگر با توجه به کدها و مفاهیم شناسایی شده در دو مرحله قبل به استحکام بیشتر فرآیند کدگذاری می‌پردازد و با تأکید بر بخش‌هایی که در تدوین تئوری می‌توانند نقش مهم‌تری ایفاء کنند به تسهیل مراحل بعدی کمک می‌کند.

یادداشت‌برداری

پژوهشگر همزمان با گردآوری داده‌ها به ثبت اندیشه‌ها و تفسیر خود از تعامل با داده می‌پردازد و این نیز یک فرآیند مستمر و پیوسته است. به بیان دیگر لازم است تعامل مستمر با داده‌ها به شکلی نظام‌مند تدوین شود. این امر به کمک روشی تحت عنوان یادداشت‌برداری یا فیش‌برداری میسر است.

در گراند تئوری کار گردآوری داده تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهشگر اطمینان حاصل کند که ادامه گردآوری چیز تازه‌ای به دانسته‌های او نمی‌افزاید؛ بنابراین پژوهشگر ناگزیر است گردآوری داده را تا رسیدن به نقطه اشباع (Saturation Point) ادامه دهد. یکی از نشانه‌های رسیدن به نقطه اشباع روبروشدن با داده تکراری (Repetitive or Duplicated Data) است.

نگارش و تدوین تئوری

آخرین مرحله در تحلیل داده‌ها نگارش و تدوین نهایی تئوری است؛ قبل از این مرحله پژوهشگر سه مرحله کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) و یادداشت‌برداری را انجام داده است. در این مرحله تصویر پژوهش برای پژوهشگر از همیشه روشن‌تر است؛ آخرین وظیفه‌ی گراند تئوریست این است که آن چه او از این تصویر می‌بیند را برای سایر افراد به تصویر بکشد. این تصویر نهایی قادر است که به پرسش‌های پژوهش پاسخ دهد و خود منشأ تولید پرسش‌های تازه شود. علاوه بر آن به کمک تئوری ساخته‌شده طی فرآیند گراند تئوری می‌توان فرضیه‌هایی تدوین کرد که

پژوهش‌های بعدی به آزمون آنها بپردازد. به بیان دیگر گراند تئوری نه برای آزمون فرضیه که روشی برای تولید آن است.

بحث و نتیجه

گراند تئوری روشی است برای طی کردن مسیری که از گردآوری داده آغاز می‌شود و با تحلیل نظام‌مند آن ادامه می‌یابد و به تولید دانش ختم می‌شود. مادامی که داده‌ی گردآوری شده مستند و عاری از نقش باشد تئوری تولید شده بر اساس گراند تئوری قابل اطمینان و استناد است. گراند تئوری با طرح پرسش یا پرسش‌های پژوهشی آغاز می‌شود، با گردآوری داده و در طول زمان شکل می‌گیرد و با ارائه‌ی نظریه به ثبات و قوام می‌رسد اما در این نقطه متوقف نمی‌ماند. یک پروژه پژوهشی مبتنی بر گراند تئوری زمانی با موفقیت انجام می‌شود که محصول پژوهش نه تنها پاسخ به پرسش‌های اولیه آن باشد بلکه خود پرسش‌های جدیدی تولید کند که موضوع پژوهش‌های بعدی قرار گیرد.